

نوع دوستی سعدی در گلستان

کورش کمالی سروستانی

شاید با کمی تسامح بتوان گلستان را مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر سعدی در معرفی او به ایرانیان و جهانیان دانست. تدوین بیش از پنجاه کتاب به تقلید از گلستان و حضور نزدیک به ۴۰۰ ضرب‌المثل رایج در فرهنگ شفاهی و زندگی ایرانی براساس گلستان تنها نمونه‌ای از این تأثیر است. علاوه بر این گلستان نخستین کتاب فارسی است که در سال ۱۶۳۴ میلادی توسط آندره ری‌یر فرانسوی ترجمه شد و در سال ۱۲۳۸ هـ.ق. پس از تأسیس نخستین چاپخانه ایران در شهر تبریز نخستین کتابی که در ایران به چاپ می‌رسد، گلستان است. گلستان سعدی دربرگیرنده مقتضیات فرهنگی و اجتماعی مردمانی است که در عصر سعدی می‌زیسته‌اند. اگرچه هنوز بسیاری از خصلت‌ها و ویژگی‌های فردی و اجتماعی شخصیت‌های آن برای انسان ایرانی آشنا و معاصر است. در جامعه‌شناسی ادبیات با فکر و فرهنگ و شخصیت فرهنگی شاعر و یا نویسنده و نیز روابط هنرمند با اجتماع روبه‌رویم. به بیانی دیگر جامعه‌شناسی ادبیات بر آن است تا شرایط اجتماعی، مقتضیات فرهنگی، اندیشه‌ها هنرمند و علل پرورش اندیشه و فکر

هنرمند را با توجه به موازین جهان بینی فرهنگی، بررسی کند. گلستان نیز از این منظر، مجموعهء واکنش های سعدی نسبت به واقعیت زمان خود است. دورانی که بنا به شواهد تاریخی این سرزمین یکی از تاریک ترین روزگار خود را می گذراند.

سعدی در گلستان ژرف گراست. آن چه که در گلستان به گونه ای نوین تجلی یافته و از این جهت با بوستان متفاوت گردیده، اندیشه های عملی است که سعدی آنها را در حکایت ها مطرح کرده و ناظر بر مناسبات حکومت و مردم است. او در گلستان به عنوان روشنفکری نمود می یابد که در صدد توسعه و پیشبرد فرهنگ جامعهء خویش است. روشنفکری که براساس تعبیر گوناگون از چارچوب های سنتی در هر زمینه فراتر می رود، در صدد ایجاد ارزش های نوین و نیز احیای ارزش های فراموش شده با رویکردی نوین در هر زمینه است، نظریه های جدید برای تبیین وجوه مختلف مشکلات زندگی عرضه می کند، با به کارگیری زبان نقد راه حل مسایل و مشکلات عملی موجود در جامعه را روشن می سازد، فلسفهء نوینی برای به زیستی در جوامع انسانی ارایه می کند و با نقد وضعیت موجود اجتماعی و سیاسی می کوشد تا با گذر از اندیشه های رایج و سطحی، فرهنگ، علم و هنر و اندیشهء مردمان را ترقی بخشد و بر آرمان هایی چون ترقی خواهی، آزادی، عدالت و حقوق انسانی تأکید ورزد.

دوران سعدی، دوران ناامنی است و ناباوری، حکام خودمختارند و مردمان بی اعتماد بدانان. گویی با غارت ها و دشمنی های بسیار مغولان، دوستی و مهر از میان مردمان رخت بر بسته است که سعدی هم در بوستان و هم در گلستان خویش باب شور و عشق و مستی را با تأکید جای داده است. می کوشد تا مهر را و پویهء خوش فرجام عشق را بدانان یادآوری نماید. سعدی در صدد خلق اندیشه های نوین است، به مصلحت عمومی می اندیشد و از وابستگی و تکیه به قشر و طبقه ای خاص می گریزد، مشرب ها و بینش های گوناگون را به محک آزمایش می نهد و براساس باورهای هر گروه در صدد عرضهء «شیوهء نوین زندگی» توأم با مسالمت و به زیستی است.

تعقل و تفکر را در امور جامعه، سیاست، فرهنگ و زندگانی روزمره وارد می‌سازد و به خلق نظریات و راه کارهای اجتماعی مرتبط با فرهنگ مدنی مردمان می‌پردازد و در آن آرمان شهر خویش، جامعه و مردمان آن را به سوی خواسته‌ها و علایق آرمانی در مقابل علایق روزمره و گذرا هدایت می‌کند. او به شناخت مشکلات و تعارضات اصلی اجتماع پرداخته، راه‌حلهایی بنیادین و نهادینه را که برگرفته از نواندیشی و علاقه ژرف وی به مردمان است، براساس سنت و نوآوری ارایه می‌کند. او عالمانه و صمیمانه به «دردشناسی» اجتماعی دست می‌یازد و به سلب‌بدبینی و بی‌اعتمادی، در مورد درمان رنج‌های بشری و اجتماعی برمی‌آید. او تمامی دانش و علم و آگاهی و تجربه خویش را به کار می‌گیرد تا با شناخت دقیق داشته‌ها، بایسته‌ها را پی‌ریزد. او پیوسته خواهان دگرگونی اجتماعی است، چرا که او شرایط موجود را با شرایط آرمانی که در بینش و ذهنیت خود دارد، مقایسه نموده، از در پند و اندرز برآمده، مردمان را به سویی هدایت می‌کند که از نقطه‌نظر جهان‌بینی وی، شرایط مطلوب‌تری را برای زیستن فراهم می‌نماید. در این پویه، عقل‌گرایی مهم‌ترین ویژگی شخصیتی او است. درسایه چنین گرایشی است که وی وضعیت نهادهای موجود اجتماعی را انتقادپذیر می‌یابد. او به حقوق انسانی، عدالت، مسامحه، نوع دوستی و انسانیت می‌اندیشد و در علایق فکری و آرمان‌های نظری خویش، این ویژگی‌ها را برای مردمان جستجو می‌کند.

سعدی در گلستان «نوع انسانی» را به نیکی شناخته است و از این‌رو با بینش بی‌نظیر به انگیزه‌های اعمال و افعال ایشان پی برده، در وصف اخلاقیات آدمیان به گونه‌ای داد سخن داده که کاملاً با ذات انسان منطبق و همسان می‌باشد. او در کلامش به دستگیری بینوایان و زبردستان و هدایت زبردستان می‌پردازد. به جهت ترویج همین فرهنگ مهر و نوع دوستی است که در جامعه هر فرد در برابر خویشتن و نیز دیگر افراد جامعه مسئول می‌باشد. فرهنگ مهرپروری و نوع دوستی سعدی تنها دربرگیرنده مظلومان و درویشان و ستمدیدگان نیست، بلکه او به بشریت عشق می‌ورزد و انسانیت را ارج می‌نهد، او از

سر همین مهر و عشق است که به پنددهی حاکمان می‌نشیند، سلاطین را از عاقبت کردارشان برحذر می‌دارد و رعایت و عنایت به رعیت را، سپاه را، درویش را، سائل را، ضعیف را و ناتوان را بدانان یادآور می‌شود و پاس خاطرشان را ضروری می‌شمارد. سعدی در عصر وحشت و قتل و غارت، دغدغه انسانیت را به دوش می‌کشد. او خود تمامی مضامین و ابعاد انسانیت را به فراست دریافته است. از تاریخ سرزمین خویش نیز آگاه است. تمدنش را فخر می‌نهد و بر آن چه که از دست می‌رود و به واسطه یاغی‌گران به یغما می‌رود، اندوهگین است. او مرد علم است و حکمت. به مدد اندیشه خویش به حراست از انسانیت برمی‌خیزد. هنگامی که همگان سخت در اندیشه خویشند و تنها به جهت قرص نانی، یا تن پوش کهنه‌ای به آزاریکدیگر بر می‌خیزند؛ کلام همیشه جاودانِ انسانی خویش را در گوش جان‌ها زمزمه می‌نماید تا سرلوحه باور و کردار جهانیان گردد:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

(سعدی، ۱۳۷۶: ۴۷)

در میان مردمان، کلامش، همانند کلام رسول‌مهری است که چیزی جز نیک سرانجامی آدمیان و نیک زیستی آنان نمی‌خواهد. او به رستگاری نسل بشریت می‌اندیشد و در این راستا دقیقه‌ای را فرو نمی‌گذارد. ما امروز بخشی از تمدن و فرهنگ خویش را وامدار اندیشه آن آزادمردیم که با جهان‌بینی ژرف خویش و تکیه بر دیده‌ها و یا شنیده‌ها و یافته‌هایش، فرهنگ این سرزمین را به سهم خود متحول ساخته و تعالی بخشیده است. به گونه‌ای که هم امروز نیز ما به یافته‌ها و دیدگاه‌های سعدی در گلستان نیازمندیم و بازخوانی دقیق و نقادانه متونی چون «گلستان» در تعالی فرهنگ امروز ایران نیز راهگشا و مؤثر است.

منابع:

۱. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۷۶) کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی